禪

کارگاه رازهای مجهول

سفری به باغ مخفی گوگل (بخش پایانی)

آسانسورهای فضایی، دورنوردی (طیالارض)، تختهاسکیت معلق و خودروهای بدون راننده؛ نگاهی بیسابقه به درون آزمایشگاه فوقسری ابتکارات گوگل، Google X و اینکه گوگل چگونه فکر میکند؟ روایتی از یک چیز بد! شاید هم یک چیز خوب؛ در گوگل اکس گاهی تشخیص تفاوت خوب و بد دشوار است.

هفتخوان ایدهها

دووال در یک اتاق کنفرانس بزرگ در طبقه همکف روی صندلی خود نشسته است. او من را به اینجا آورده است تا نشان دهد که گروه Rapid Eval چگونه روی ایدهها بحث میکند. پیرامون یک میز مستطیل چوبی با دو تن از همکارانش گرد هم آمدیم: دن پیپونی و میچ هاینریک. پیپونی 47 ساله، خوشبیان، کمحرف و انگلیسیزبان است، یک ریاضیدان و متخصص فیزیک نظری و برنده اسکارهای مذکور. حتی در میان ذهنهای تیزهوش در گوگل اکس، او یک تیزهوش استثنایی به شمار میآید. هاینریک، راهنمای جوان آزمایشگاه در زمینه طراحی، حس خوب مدرسه هنری را به مخاطب منتقل میکند. او با قریحه خود چیزی ساخته است که آشپزخانه طراحی شناخته میشود، یک کارگاه ساختوساز بزرگ که پر از پرینترهای سهبعدی، ارههای میزی و ماشین تراشهای پیچیده است که در یک ساختمان نزدیک آزمایشگاه اصلی اکس گردآوری شدهاند.

مطلب پیشنهادی: رؤیاهای پول مجازی

Project Loon Rapid Eval mag- lev

Rapid Eval (Teleportation) «

خاص کار میکنند . یک استاد کلتک، جولیا گریر، روی چیزی کار میکند که آن را nanotrusses نامیده است. دووال به این پروژه علاقه ویژهای دارد . او میگوید : «این [ماده] چگونگی ساخت ساختمانها را کاملاً متحول خواهد کرد . زیرا اگر چیزی داشته باشیم که بهشکلی باورنکردنی قوی و بهشکلی شگفتانگیز فشرده باشد، شاید بتوانیم یک ساختمان کامل را به صورت پیشساخته عرضه کنیم؛ ساختمانی که داخل یک جعبه جا میشود، آن را به محل ساخت میبریم و مانند یک اوریگامی کاغذی باز میکنیم تا به ساختمانی تبدیل شود که از هر چیزی که اکنون داریم، قویتر است و توانایی نگه داشتن حجمی به اندازه یک ساختمان را دارد .» پس از لحظهای سکوت در اتاق ادامه میدهد: «میدانم که کاملاً دیوانهوار به نظر میرسد.»

ایدههای ناکام

در میان صحبتها، دووال از من میپرسد که برای Rapid Eval چه ایدهای دارم . چون به من اخطار داده شده بود که ممکن است چنین سؤالی از من پرسیده شود، آماده به میدان آمده بودم : یک «گلوله هوشمند » که میتواند از قربانی بالقوه محافظت کند و از خشونت اسلحه بکاهد؛ هم تصادفی و هم عمدی .

شما خودروهای خودران دارید که از آسیب جلوگیری میکنند . چرا گلولههای خودران نداشته باشید؟ دووال نمیگوید این احمقانهترین چیزی است که تا به حال شنیده است که این کمی خیالم را راحت میکند . آنچه در پی میآید گفتوگویی است که حس بالا رفتن از آن نردبان خیالی را منتقل میکند .

ما بهسرعت مزایا و معایب هوشمند کردن اسلحه (این فناوری تا درجه خاصی وجود دارد) در مقابل هوشمند کردن گلوله (کاری بسیار دشوارتر) را میسنجیم . از یک بحث مشخص درباره گلولههای «خود نابودشونده » با سوزنهای ریز زیرپوستی حاوی داروی بیهوشی (ایده دووال) میرسیم به استفاده از حسگرها و قوه جاذبه برای رساندن گلوله به زمین قبل از اصابت به هدف اشتباهی (ایده هاینریک). سپس ایده جدا کردن ضارب از خرج با استفاده از یک سوئیچ الکترونیک راهدور به میان میآید (پیپونی). البته فحوا زود عوض میشود . سخن گفتن درباره جلد اسلحه هوشمند برای پلیسها و سپس نشانهگیرهای هوشمند را آغاز میکنیم؛ چیزی که صاحبان اسلحه گرم ممکن است خواستار آن باشند .

آنها حتی فکر میکنند که ممکن است ایده ارزش یک نمونه اولیه خام را داشته باشد . ما روی مباحث سیاسی و دوام در بازار نیز بحث میکنیم؛ چه کسی آن را میخرد، چه کسی با آن مخالفت میکند یا اینکه ممکن است چه نوع تأثیرهایی بگذارد . در نهایت، مشخص میشود که از بسیاری جهات، گوگل سعی میکند که در نیمه عملی جنون بایستد .

بعدتر در همان روزهمراه با اوبی فلتن 41 ساله در محوطه گوگل قدم میزنم . او عضوی از گروه است که همواره سعی دارد گروه را معقول و واقعگرا نگه دارد . در حقیقت، دووال از او با عنوان «شخص نرمال» در جلسههای Rapid Eval یاد میکند، کسی میتواند با پرسیدن سؤالهای ساده همه را به زمین برگرداند؛ سؤالهایی مانند : آیا قانونی است؟ همه این را خواهند خرید؟ همه از این خوششان خواهد آمد؟ فلتن یک مهندس نیست، او پیش از پیوستن به گوگل اکس در بخش بازاریابی در اروپا برای گوگل کار میکرد . او میگوید : «سمت واقعی من “مسئول آماده ساختن مونشاتها برای ارتباط با دنیای واقعی ” است.» مسئلهای که فلتن با آن در جدل است این است که هیچ الگویی برای چگونگی عرضه این فناوریهای بنیادی به بازار وجود ندارد (به من میگوید : «اگر الگویی پیدا کردی به من هم بگو »). خوشبختانه برای اکس، لازم نیست همه چیز به یک منبع عظیم سود مالی تبدیل شود . فلتن توضیح میدهد: «هر محصولی باید پولساز باشد . اما نه لزوماً هر محصولی . اگر بخواهید با معیار دلار اندازه بگیرید، برخی از اینها کسبوکارهای بهتری از بقیه خواهند بود .

بقیه ممکن است تأثیر بزرگی در دنیا بگذارند، اما بازار بزرگ و پرسودی نداشته باشند .» اکس امید دارد که در سال جاری یک پروژه فوقسری را اعلام کند که احتمالاً در دسته دوم جا بگیرد . چه چیزی خواهد بود؟ هیچ سرنخ مشخصی وجود ندارد.

در گفتوگوهای خودم فقط توانستم تعدادی اشاره جزئی بیابم؛ اینکه آنها بهشدت درباره حمل و نقل و انرژی پاک کنجکاو هستند و بهخصوص درباره راهاندازی یک سیستم تشخیص طبی بهتر جدی هستند و جدیت در این حوزه خیلی بیشتر از درمان طبی است، زیرا عقیده دارند که مورد نخست تأثیر بسیار بیشتری خواهد داشت.

در یک نقطه، از میان یک آزمایشگاه تجربه کاربری گوگل اکس رد شدم، جایی که روانشناسان با بررسی داوطلبان در حین امتحان فناوریهای آینده، به بینش جدیدی میرسند . یک شیء بزرگ به اندازه «شاهین مالت» در پلاستیک مشکی پیچیده شده است.همزمان، در نظر داشته باشید که هماکنون چه وظیفه طاقتفرسایی بر دوش اکس قرار دارد . این سازمان باید امسال همه پروژههای رونماییﻧشده خود را دستکم یک خانه جلو ببرد .

ظاهراً Project Loon که هنوز برنامه کسبوکاری برای آن نهایی نشده، توجه شرکتهای ارتباطی را

برانگیخته است، اما هنوز از نظر فنی برای استفاده در ابعاد بزرگ آماده نیست (بخشی از آن رونمایی شده، زیرا حق اختراعات ثبت شده باید عمومی میشد و گوگل ترجیح میداد با روش خود آن را افشا سازد). عینک گوگل که نزدیکترین محصول اکس به بازار است و خودروهای خودران که بسیار پیشرفت داشتهاند، هر دو درخشش شگفتانگیزی در میان مردم داشتهاند. با این حال غیرممکن است که بگوییم این محصولها چه زمانی در جایگاه یک کسبوکار کامیاب میشوند یا اینکه آن تأثیر دهبرابری را در طول ده سال تجربه خواهند کرد . در بعد از ظهری که با تلر شام صرف کردم، همه این معضلات را پیش کشیدم . از نظر من، چالش بنیادی در مرسوم کردن راهکارهای اساسی برای مشکلات بزرگ، این است که جامعه تمایل دارد که تغییر را به صورت پلهای تجربه کند، حتی با وجود اینکه بسیاری از حوزههای فناورانه بهنظر پیشرفتی نمایی داشتهاند .

هر نوآوریای که باعث صرفهجویی در زمان یا پول شود یا سلامت ما را بهبود بخشد، همواره شانس بیشتری برای موفقیت زودهنگام دارد . اما در زمینه عینک، با محصولی روبهرو هستیم که علاوه بر امنیت و بهرهوری، با انسانیت ما نیز سر و کار دارد .

این مشکل ممکن است بزرگتر از معضلات عملیتری باشد که اکسرها با آنها دستبهگریبان هستند . اما به نظر نمیرسد که آنها را نگران کرده باشد . در حقیقت، تلر ادعا میکند که عینک میتواند ما را انسانتر سازد. به گمان او این محصول مشکل بزرگی را حل میکند؛ بیرون کشیدن آن چهارگوشهای مستطیلی از جیبها و کارآمدتر و در دسترستر ساختن فناوری . اما ممکن نیست که گلس پاسخی نادرست به مشکلی درست باشد؟ تلر میگوید : «البته . اما کار ما هنوز تمام نشده و ممکن است اشتباهی کرده باشیم؛ یعنی میدانم از جهاتی اشتباهاتی داشتهایم .» به گفته تلر، قرار بود آن بخش از پروژه که دغدغه همکارانی مانند اوبی فلتن بود، تکرار شود .

مطلب پیشنهادی: گرگهای خیابان فناوری

او میگوید : «اینکه از دنیا بپرسیم : نظر شما چیست؟ چگونه میتوانیم آن را بهتر سازیم؟ این بخشی از ما است که درباره پذیرش اشتباه باز باشیم، زیرا اینگونه راحتتر و کمهزینهتر است و بهتر است اکنون دریابیم که اشتباه کردهایم تا سالها بعد که مورد دوم سبب از بین رفتن منابع مالی و احساسی زیادی میشود.»

تلر میگوید اینکه پروژههای اکس را «مونشات» مینامد، دلیل خاصی دارد : «اگر یکی از پروژههای گوگل اکس یک هومران (اصطلاحی در بیسبال، وقتی توپ به خارج از زمین پرتاب میشود و از روی همه موانع پریده میشود) بود و به همه چیزی تبدیل میشد که ما میخواهیم، واقعاً خوشحال میشدم، عرش را سیر میکردم اگر این اتفاق برای دو پروژه میافتاد .» در یک نقطه به مونشات خودم اشاره میکنم، آن گلوله هوشمندی که گروه دووال همان روز درباره آن بحث کرد . به نظرم یک فاجعه نبود، اما موفقیت هم نبود .

تلر با همدردی میگوید : «تعریف درستی است. بیشتر ایدهها جواب نمیدهند . تقریباً همه ایدهها به نتیجه نمیرسند . بنابراین مشکلی نیست اگر ایده تو نیز بینتیجه ماند .» او لحظهای فکر میکند و ادامه میدهد :

«چطور است بهجای یک گلوله معمولی در آن زهری مرگآور باشد که تا یک هفته بتوان آن را جبران کرد؟ »

با این کار آدم بدها بلافاصله متوقف نمیشوند، اما وقتی تیر بخورند، باید خود را برای دریافت پادزهر تسلیم کنند . او لحظهای به ایده فکر میکند : «نمیدانم .» از هماکنون موانع را پیش رو میبیند . میگوید : «فقط دارم همفکری میکنم.»

سفری به باغ مخفی گوگل (بخش اول)

نویسنده :
جان گرتنر
مترجم:
احمدرضا فرزان چم
منبع :
فست کمپانی، مه 2014
دسته بندی:
عصرشبکه
تاریخ انتشار :

22:50 - 24/06/1394

برچسب:

گوگل - آزمایشگاه گوگل - نوآوری - نوآوری در گوگل - خلاقیتهای گوگل - پروژه X گوگل

نشانی

□□□□: https://www.shabakeh-mag.com/are-network/1576/%D8%B3%D9%81%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%A8%D8%A7%D8%BA-%D9%85%D8%AE%D9%81%DB%8C-%DA%AF%D9%88%DA%AF%D9%84-%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86%DB%8C